

چالش تدابیر امنیتی اروپا: تقابل بین «آتلانتیک‌گرایی» و «اروپامحوری»

سیدوحید کریمی^۱

اروپای «مستقل» یا «وابسته به آمریکا»؛ چالش امنیتی اروپاست که همچنان ادامه دارد. «آتلانتیک‌گراها» با محوریت انگلیس معتقد به «درهم تنیدگی» امنیتی اروپا با آمریکا هستند و «اروپامحورها» با مرکزیت فرانسه، در کنار همکاری با آمریکا، بر استقلال تدابیر امنیتی اروپا تأکید دارند. اما رقابت بین آن دو هنوز ادامه دارد و سعی دارند با دامن‌زدن به تنش‌های فرا اروپایی، بر یکدیگر تفوق یابند. «آتلانتیک‌گراها» با بزرگ‌نمایی خطر روسیه و جمهوری اسلامی ایران، سعی در استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا دارند تا بدین‌ترتیب بر «اروپا محورها» غالب شوند و در مقابل، «اروپامحورها» برای غلبه بر «آتلانتیک‌گراها»، بر مصالحه با روسیه و مذاکره با جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند و علناً خواهان توقف استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا شده‌اند. دولتمردان آمریکایی از دو حزب مختلف جمهوری خواه و دموکرات، از دهه ۱۹۵۰ به بعد، در استقرار پروژه جنگ ستارگان و به دنبال آن سپر دفاع موشکی مردد بوده‌اند. «آتلانتیک‌گراهای اروپایی» تاکنون توانسته‌اند با ایجاد اتهامات واهی علیه روسیه و جمهوری اسلامی ایران و درگیرکردن آمریکا در موضوعات سیاسی، که بعداً ابراز نارضایتی کرده‌اند، در تضعیف «اروپا محورها» موفق شوند. این در حالی‌ست که می‌توان با روشنگری در مورد اختلافات درون اروپایی؛ یعنی رقابت بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها»، در عدم نیاز به استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا و تقویت «اروپامحورها» اقدام کرد.

۱. رئیس مرکز مطالعات اروپا.

همگرایی نیکلاس سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، با تفکر سیاسی انگلوساکسن (انگلیسی - آمریکایی)، باعث گردید؛ تا این ایده که کشور فرانسه بتدریج از اهداف سیاسی ژنرال شارل دوگل فاصله می‌گیرد، افزایش یابد. آیا واقعا فرانسه از اهداف سیاست خارجی و امنیتی مستقل اروپا عدول خواهد کرد، سؤالی است که به آن پرداخته خواهد شد. در همین رابطه، نقش آمریکا در تقابل بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپامحورها» تبیین خواهد شد. آیا استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا، تقویت‌کننده «آتلانتیک‌گراها» و تضعیف‌کننده «اروپامحورها» خواهد بود؟ چرا روسیه نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی اعتراض دارد و معتقد است جمهوری اسلامی ایران خطر نیست، اما «آتلانتیک‌گراهای اروپا» بر خطرناک بودن جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند؟ راه‌حل «معمای تدابیر امنیتی اروپا» که روسیه و آمریکا و جمهوری اسلامی ایران را هم درگیر کرده است، چیست؟

فرانسه و تقابل بین «آتلانتیک‌گرایی» و «اروپا محوری»

شارل دوگل، رئیس‌جمهور اسبق فرانسه، معتقد بود آمریکا دختر اروپاست و به قاره ای دیگر تعلق دارد و اروپای متحد، باید از «حاشیه‌اقیانوس اطلس تا کوه‌های اورال در خاک روسیه»، مستقل از آمریکا، همکاری مشترک امنیتی داشته باشند. ایده شارل دوگل، توسط میخائیل گورباچف و دیگر رهبران کرم‌لین، مبنی بر «خانه مشترک اروپا» و متعاقباً نیکلاس سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه تکرار شد. اما تقابل بین دو تفکر «آتلانتیک‌گرایی» و «اروپا محوری» بین سیاستمداران اروپایی هیچ‌گاه اجازه نداده است تا اروپای مستقل از آمریکا، یا «اروپای منهای آمریکا» اجرایی شود.

«آتلانتیک‌گراها» با محوریت انگلیس بر این اعتقادند که کشور فرانسه در قاره اروپا از موقعیت بهتر استراتژیک و جغرافیایی و مرکزیت در اتحادیه اقتصادی اروپایی برخوردار است و رهبری اروپا را بدست خواهد گرفت و رقابت های دیرین انگلیس و فرانسه و آلمان، همچون قبل از جنگ جهانی دوم، مجدداً غالب خواهد شد و لذا برای جلوگیری از تکرار تاریخ، حضور نظامی آمریکا در اروپا و مشارکت آن کشور در تدابیر امنیتی اروپا را ضروری می‌دانند. ایده استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا همواره از دهه ۱۹۵۰ مطرح بوده اما دولت‌های مختلف آمریکا بخاطر تردید در کارایی و هدفمند بودن

آن، عملیاتی کردن آن را متوقف کرده‌اند.^(۱) اما هرگاه «اروپا محورها» درصدد تقویت تدابیر امنیتی اروپا بر می‌آمدند، موضوع استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا و در گذشته پروژه جنگ ستارگان در اروپا جدی می‌شد و هرگاه «آتلانتیک‌گراها» تفوق خود بر «اروپا محورها» را حفظ می‌کردند و یا درصدد جدایی امنیتی اروپا از آمریکا نبودند، حضور پررنگ امنیتی آمریکا در اروپا با کندی مواجه می‌شد. تکنولوژی و هزینه سپر دفاع موشکی آمریکا پیچیده و پرهزینه است که در صورت استقرار، اروپا و «اروپا محورها» برای چندین دهه وابسته به چتر امنیتی آمریکا باقی خواهند ماند.

«آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» برای جلوگیری از علنی شدن تقابل بین خود، عمداً بر وجود دشمن فرضی و فرا اروپایی تأکید می‌کنند. دلایل متعددی نیز برای این امر وجود دارد. اولاً در صورت علنی شدن اختلافات درون اروپایی، آمریکایی‌ها باتوجه به هزینه سنگین پروژه سپر دفاع موشکی، در حل مشکلات درون اروپایی بدون استقرار سپر دفاع موشکی سعی خواهند کرد. «آتلانتیک‌گراها» معتقدند تنها از طریق وابستگی متقابل نظامی و امنیتی با آمریکا می‌توانند بر «اروپا محورها» غلبه کنند. در غیر این صورت، بتدریج آمریکا از اروپا فاصله خواهد گرفت و تفکر آتلانتیک‌گرایی به فراموشی سپرده خواهد شد. اما اروپا محورها با مشکلات متعددی مواجه اند. آنها از یک سو خواهان استقلال امنیتی اروپا از آمریکا هستند و از سوی دیگر کشورهای جدید اتحادیه اروپایی حاضر نیستند بودجه دفاعی خود را افزایش دهند و نسبت به روسیه مشکوک هستند.

لذا وقتی روسیه به گرجستان حمله کرد و «روسیه‌هراسی» از سوی تعدادی از اعضای جدید ناتو و اتحادیه اروپایی مطرح شد، نیاز برای استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا توجیه و بدین ترتیب؛ تفوق «آتلانتیک‌گراها» بر «اروپا محورها» غالب شد. همکاری روسیه با ناتو و اتحادیه اروپایی باعث گردید تا آمریکایی‌ها بر عدم «دشمن بودن روسیه» تأکید و حتی از روسیه برای مشارکت در استقرار سپر دفاع موشکی دعوت نمایند. اعتراض روسیه به استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا به معنی تقویت و تفوق «اروپا محورها» بر «آتلانتیک‌گراها» است. اما از سوی دیگر، آتلانتیک‌گراها، برای استمرار تفوق خود بر اروپا محورها، خطر جمهوری اسلامی ایران را مطرح می‌کنند تا با استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا، بر اروپا محورها تسلط یابند. به نظر می‌رسد؛ با

علنی کردن تقابل بین «آتلانتیک گراها» و «اروپا محورها» در تدابیر امنیتی اروپا، بتوان به سه هدف: الف) عدم نیاز به استقرار سپر دفاع موشکی، ب) تفوق «اروپا محورها» بر «آتلانتیک گراها»؛ (اروپای منهای آمریکا) و ج) کاهش مداخله آمریکا در روابط بین‌الملل دست یافت. اقدام احتمالی سارکوزی برای عضویت فرانسه در «فرماندهی واحد ناتو»، با واکنش‌های مثبت و منفی داخلی مواجه شده است. مخالفین داخلی سارکوزی، وی را متهم نموده اند که درصدد است تا فرانسه را همچون «انگلیس دوم»^(۲) برای آمریکا شکل دهد. اما برعکس آنچه مخالفین سیاست خارجی وی معتقدند، به نظر می‌رسد؛ سارکوزی دنباله‌روی همان ایده‌های شارل دوگل اما با تاکتیکی نوین است. سارکوزی معتقد است: «عدم عضویت فرانسه در (فرماندهی) ناتو، ایجادکننده سوءتفاهم و عدم اعتماد در بین متحدین نسبت به اهداف اروپایی فرانسه است».^(۳) وی در عین حال معتقد است: «برای فرانسه همکاری با ناتو مهم است اما اروپا همچنان نیازمند تدابیر امنیتی دسته‌جمعی است». سارکوزی می‌گوید: «در حالی که اتحادیه اروپایی یک وزنه سنگین اقتصادی محسوب می‌شود؛ نباید در تدابیر امنیتی کوچک و محدود باقی بماند».^(۴)

تدابیر امنیتی اروپا که از طریق تشکیل «سپاه اروپا» و یا «ارتش اروپا» تحت تشکیلات «ماهیت مستقل امنیتی اروپا» مطرح است، همواره محل منازعه بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» بوده است. اروپا محورها بر «مستقل و رقابت‌آمیز بودن» آن تأکید دارند، در حالی که آتلانتیک‌گراها بر «مکمل بودن» آن با پیمان نظامی ناتو به رهبری آمریکا، تأکید می‌کنند. در این رابطه سارکوزی، بر خلاف شیراک، رئیس جمهور قبلی، که صراحتاً بر «استقلال» تدابیر امنیتی اروپا تأکید داشت،^(۵) گفت: «تأکید بر تدابیر امنیتی اروپا، به معنی انتخاب بین آمریکا و یا تدابیر امنیتی مستقل اروپا نیست. هر دو با هم هستند».^(۶) همان‌طور که بین نقطه‌نظرات شیراک و سارکوزی اختلاف نظر وجود دارد، اظهارات مقامات فرانسوی در مورد تدابیر امنیتی اروپا، در مقاطع مختلف، ضد و نقیض است. با توجه به مراتب فوق، بعید به نظر می‌رسد «آتلانتیک‌گراها» با محوریت انگلیس، بر نقطه‌نظرات سارکوزی، مبنی بر همکاری فرانسه با آمریکا برای پذیرش برتری ناتو به رهبری آمریکا و در عین حال تقویت تدابیر امنیتی اروپا، اعتماد کرده صحه بگذارند و لذا امری طبیعی است که «آتلانتیک‌گراها» به رهبری انگلیس برای حفظ برتری بر «اروپا محورها» به رهبری فرانسه، بر استقرار سپر دفاع موشکی

آمریکا در خاک اروپا تأکید داشته باشند و این در حالی است که مقامات سیاسی آمریکا و روسیه تمایل خود برای رفع سوءتفاهمات و احتمالاً عدم استقرار موشک از سوی روسیه در کالینین‌گرا^(۷) و عدم استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و چک را اعلام کرده‌اند.^(۸) دو کشور لهستان و چک به دلیل روسیه هراسی، مصرأ خواهان استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا هستند؛ هرچند ممکن است تقاضای آنها برای استقرار سپر دفاع موشکی، مردود و یا به تعویق بیافتد، اما تقابل بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپامحورها» که از سوی انگلیس و فرانسه رهبری و هدایت می‌شوند، ادامه دارد. انگلیسی‌ها عدم اعتماد به رفتار سیاسی روسیه بعد از جنگ گرجستان و خطر موشکی جمهوری اسلامی ایران را برای توجیه استقرار سپر دفاع موشکی مطرح می‌کنند و در واقع درصدد تثبیت تفوق «آتلانتیک‌گراها» بر «اروپامحورها» هستند و فرانسوی‌ها نیز متقابلاً با تقویت روابط اتحادیه اروپایی با روسیه و کم‌رنگ کردن خطر روسیه، در واقع درصدد برتری جویی «اروپا محورها» بر «آتلانتیک‌گراها» هستند.

آتلانتیک‌گراها برای جلوگیری از موفقیت اروپا محورها، مشکلات موجود بین غرب و روسیه بر سر انرژی و خطر علیه مناطق تحت نفوذ قبلی روسیه را مطرح می‌کنند. دیوید میلی بند، وزیر امور خارجه انگلیس، که آتلانتیک محور است، معتقد است: «چانه‌زنی با روسیه باید ادامه داشته باشد».^(۹) فهرست توقعات آتلانتیک‌گراها از روسیه هم زیاد است. آنها می‌گویند؛ روسیه باید برای مقابله با تروریسم، کاهش شورش در افغانستان و جلوگیری از اهداف اتمی کره شمالی و ایران کمک کند. آتلانتیک‌گراها بر این اعتقادند که عدم استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا را باید به گرفتن امتیاز از مسکو برای توسعه ناتو به شرق و کمک به حل معضل افغانستان و جلوگیری از غنی‌سازی اتمی ایران منوط کرد.^(۱۰) احقاق شرایط آنها یعنی امر تقریباً محال و بدین ترتیب «آتلانتیک‌گراها» با بهانه‌گیری‌های واهی، در واقع؛ در صددند استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا را تضمین کنند تا بتوانند بر «اروپا محورها» غلبه کنند. خاویر سولانا، مسؤل سیاست خارجی اتحادیه اروپایی که آتلانتیک‌گرا است، اخیراً در سخنرانی کنفرانس امنیتی مونیخ گفت: «سه اصل امنیتی اروپا قابل مصالحه نیستند. در تدابیر امنیتی؛ اروپا با آمریکا خواهد بود. کشورهای اروپایی باید برای پیوستن به مؤسسات اروپایی آزاد باشند و از طرف روسیه تحت فشار نباشند و امتیازخواهی برای

حوزه نفوذ توسط کشورها (خطاب به روسیه) اصلاً قابل پذیرش نیست»^(۱۱) با چنین سیاستی، «آتلانتیک‌گراها» خواهان ادامه تنش بین آمریکا و روسیه هستند تا به هدف خود؛ یعنی برتری بر «اروپا محورها» دست یابند. از سوی دیگر، «اروپا محورها» بر تنش زدایی بین آمریکا و روسیه تأکید دارند تا مواضع «آتلانتیک‌گراها» را تضعیف کنند. سارکوزی، با بهره‌برداری از ریاست دوره‌ای فرانسه بر اتحادیه اروپایی، جنگ بین روسیه و گرجستان را به متارکه تبدیل کرد و خواهان توافق جدید امنیتی بین غرب و روسیه شد. او علناً گفت: «روسیه هیچ‌گاه تهدیدی علیه ناتو و اتحادیه اروپایی محسوب نمی‌شود»^(۱۲). سارکوزی، همان ایده دوگله را که گفته بود؛ حوزه امنیتی اروپا باید از «اقیانوس آتلانتیک تا کوه‌های اورال در داخل خاک روسیه» توسعه یابد را به حوزه امنیتی از «ونکور (کانادا) تا ولادی وستوک» در منتهای خاک روسیه گسترش داد.^(۱۳) سارکوزی حتی خواهان توقف استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا شد.^(۱۴) سارکوزی که اروپامحور است، خواهان توافق امنیتی جدید بین اروپا، روسیه و آمریکا شده است.^(۱۵)

نقش آمریکا و استقرار سپر دفاع موشکی

تقابل بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» برای تسلط بر سرنوشت امنیتی اروپا همچنان ادامه دارد اما هر دو گروه با ظرافت سیاسی، سعی دارند با جلوگیری از علنی شدن تقابل درون اروپایی، با مسایل حواشی، برتری یکی بر دیگری را خنثی نمایند. «آتلانتیک‌محورها» خطر روسیه، امنیت انرژی و هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران را مطرح می‌کنند و در مقابل، «اروپا محورها» با مبالغه‌آمیز خواندن خطر روسیه بر فعال کردن دیپلماسی برای حل معضلات جهانی و تعامل بیشتر با جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند. حتی دولت جدید آمریکا نیز بدون پیش شرط، خواهان حل اختلافات از طریق دیپلماسی بوده و نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی تردید دارد. در گزارشات متعدد مجمع پارلمان ناتو که در رابطه با سپر دفاع موشکی، امنیت و دفاع و دستور کار سیاسی پیمان نظامی ناتو مورد بررسی واقع گردیده گفته می‌شود: «دموکرات‌ها برخلاف جمهوری خواهان اشتیاقی برای استقرار سپر دفاع موشکی ندارند»^(۱۶). دولت‌های مختلف آمریکا نیز نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی مدام در شک و تردید بوده‌اند. دولت جمهوری خواه رونالد ریگان در دهه ۱۹۸۰ خواهان استقرار پروژه جنگ ستارگان بود اما

دولت دموکرات بعدی، بیل کلینتون، از استقرار پروژه جنگ ستارگان امتناع ورزید. به همین نحو این احتمال وجود دارد که دولت دموکرات باراک حسین اوباما، رئیس‌جمهور فعلی از حزب دموکرات، بر خلاف دولت جورج بوش از حزب جمهوری‌خواه، رغبتی برای استقرار سپر دفاع موشکی نداشته باشد مگر اینکه ادامه تقابل بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» باعث گردد تا آمریکا برای تفوق آتلانتیک‌گراها بر اروپامحورها اقدام کند. اقدامی که هیچ‌گونه ارتباطی به روسیه و یا کشور دیگری ندارد بلکه صرفاً به دلیل تقابل بین دو گروه؛ «آتلانتیک‌گرا» و «اروپامحورها» در اروپا است.

به نظر می‌رسد استقرار و یا عدم استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا موضوعی بین روسیه و آمریکا است که اروپاییان به آن دامن می‌زنند. رقابت اصلی بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپامحورها» است اما هر دو گروه سعی دارند از موضوعات فراروایی به نفع خود و غلبه بر دیگری استفاده کنند. دو کشور لهستان و چک در ازای عدم دریافت ویزا برای شهروندانشان برای ورود به آمریکا، خواهان استقرار سپر دفاع موشکی هستند و نسبت به روسیه‌هراسی، مبالغه می‌کنند تا از جایگاه بهتری در مجموعه نهادهای غربی برخوردار شوند. وقتی سارکوزی خواهان توقف استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا شد، مقامات لهستان و چک که آتلانتیک‌گرا هستند، از اظهارات سارکوزی تعجب کردند. معاون نخست وزیر چک در واکنش به اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «سارکوزی برای چنین پیشنهادی با ما مشورت نکرده و کسی فکر نمی‌کند ریاست ایشان بر اتحادیه اروپایی شامل تصمیم‌گیری برای سپر دفاع موشکی هم باشد».^(۱۷) رئیس‌جمهور چک هم با طعنه گفت: «ظاهراً سارکوزی قصد دارد برای همیشه رئیس‌دائمی اتحادیه اروپایی باقی بماند».^(۱۸) دونالد توسک، نخست وزیر لهستان هم با واکنشی منفی نسبت به اظهارات سارکوزی، گفت: «سپر دفاع موشکی موضوعی مربوط به لهستان و آمریکا است و به نظر نمی‌رسد نیازمند به ابراز نظر یا اقدامی از سوی کشور ثالث (فرانسه) باشد».^(۱۹) بعضی ناظران سیاسی هم معتقدند مقامات کرملین چون «احساس حقارت» می‌کنند با استقرار سپر دفاع موشکی مخالفت می‌نمایند زیرا روسیه امپراطوری اروپای شرقی را از دست داده و مایل نیستند آمریکا و ناتو را جایگزین خود ببینند،^(۲۰) تکنولوژی موشکی روسیه قادر به خنثی کردن سیستم سپر دفاع موشکی آمریکا هست. استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا، سومین پایگاه

آمریکا برای خنثی کردن موشک بعد از آلاسکا و کالیفرنیا خواهد بود و عملاً برای مقابله با روسیه نیست.^(۲۱)

نقش روسیه و ایران در این تقابل

در رابطه با جمهوری اسلامی ایران؛ همان‌طور که دولت قبلی آمریکا از سیاست حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران به سیاست اروپایی برای مذاکره روی آورد به‌نظر می‌رسد؛ دولت جدید آمریکا نیز از نفوذ اروپاییان برای شکل‌دهی سیاست خارجی خود در قبال جمهوری اسلامی ایران بی‌تأثیر نباشد. نیکلاس سارکوزی اروپا محور، رئیس‌جمهور فرانسه، از سویی خواهان توقف استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا است اما از سویی دیگر بر خلاف شیراک که خواهان پذیرش ایران هسته‌ای بود، در طرفداری از رژیم صهیونیستی، خواهان برخورد جدی مجموعه کشورهای غربی با جمهوری اسلامی ایران است. اما از آنجایی که سارکوزی می‌داند استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا تقویت‌کننده «آتلانتیک‌گراها» برای برتری بر «اروپا محورها» خواهد بود، بر تقابل با جمهوری اسلامی ایران نه از راه استقرار سپر دفاعی بلکه دیپلماسی و افزایش تحریم‌ها تأکید دارد.

آتلانتیک‌گراها به رهبری انگلیس، در قالب سه کشور اروپایی و گروه ۵+۱ و شورای امنیت همواره بر گزینه نظامی برای مقابله با هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر روی میز مذاکره تأکید داشتند تا استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپا را تضمین کنند و در واقع تفوق «آتلانتیک‌گراها» بر «اروپا محورها» را تحکیم بخشند. خطرناک بودن و یا عدم خطر جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» در ذهن سیاستمداران آمریکایی و اذهان عمومی القا و ترسیم می‌نمایند تا برای تفوق یکی بر دیگری مورد بهره‌برداری واقع گردد. لذا در همین رابطه است که رهبران اروپایی، یکی پس از دیگری، ضمن استقبال از مذاکره مستقیم بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، معتقد به توجه کاخ سفید به نقطه نظرات آنها برای مذاکره با ایران هستند.

آتلانتیک‌گراها صراحتاً به توقف غنی‌سازی و اروپا محورها به نفس مذاکره با ایران اهمیت می‌دهند. آتلانتیک‌گراها با بزرگ‌نمایی خطر جمهوری اسلامی ایران،

حضور پررنگ آمریکا از طریق استقرار سپر دفاع موشکی در خاک اروپا یعنی تفوق بر اروپامحورها را هم در دستور کار قرار می‌دهند. توماس والسک، رئیس بخش سیاست خارجی و امور دفاعی مرکز تحقیقاتی اصلاحات اروپا، چند روز بعد از انتخاب باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور آمریکا، در مقاله‌ای تحت عنوان: «اروپا چه انتظاراتی از رئیس جمهور اوباما دارد»، با طرح شکایت از جورج بوش، رئیس جمهور قبلی آمریکا، خطاب به اوباما و تیم جدید کاخ سفید نوشت: «اروپا در دوران ریاست جمهوری قبلی آمریکا، از حمایت لازم برای مقابله با ایران برخوردار نبود». سپس در ادامه با ترسیم خط جدید برای کاخ سفید در رابطه با جمهوری اسلامی ایران توصیه می‌کند: «اروپا خود را آماده می‌نماید تا نسبت به ایران سختگیری بیشتری انجام دهد و لذا به حمایت کاخ سفید چشم دوخته است».^(۳۲) انتظار اروپاییان از آمریکا در روابط با ایران، پوشش‌دهنده دامنه وسیعی از سیاست‌ها است که با توجه به رقابت «آتلانتیک‌گراها» با «اروپا محورها» مطرح می‌شود و این در حالی است که آقای باراک حسین اوباما، رئیس جمهور آمریکا، خواهان مذاکره بدون پیش شرط با ایران بود اما آتلانتیک‌گراها و اروپا محورهای اروپایی سعی دارند برای رسیدن به اهداف خود، یعنی تفوق و برتری یکی بر دیگری، نوع روابط بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را تحت‌الشعاع رقابت‌های خود قرار داده، شکل دهند. باید از ادامه چنین امری جلوگیری به عمل آورد.

اگر بر معمای استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خاک اروپا از زوایا و دیدگاه‌های مختلف سیاسی توجه کنیم، ملاحظه می‌شود؛ سیاستمداران آمریکایی معتقدند؛ روسیه خطر نیست و جمهوری اسلامی ایران خطرناک است. اما مقامات کرم‌لین در روسیه، بر این عقیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران خطر نیست و هدف استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا، روسیه است. فرانسه بر این باور است که روسیه خطر نیست و خواهان توقف استقرار سپر دفاع موشکی است. اما در مقابل، انگلیس بر چانه‌زنی با روسیه و استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در خاک اروپا تأکید دارد. لذا مشخص می‌شود که رقابت بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» باعث شده تا آن دو؛ آمریکا و روسیه، جمهوری اسلامی ایران را برای اهداف خود یعنی؛ غلبه یکی بر دیگری، به گروگان بگیرند. باید از ادامه چنین امری جلوگیری به عمل آورد.

به نظر نمی‌رسد پیوستن و یا عدم پیوستن فرانسه به «فرماندهی واحد ناتو» که قرار است در فروردین سال ۱۳۸۸، در شصتمین سالگرد تاسیس ناتو اعلام گردد، تقابل و رقابت بین «اتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» را خاتمه بخشد. سارکوزی برای ورود فرانسه به فرماندهی واحد ناتو پیش شرط قرار داده و تهدید نموده در صورت عدم رعایت خواسته‌های فرانسه، حتی در ترتیب نشستن دور میز مذاکره در مجمع سران، نشست آتی ناتو را تحریم خواهد کرد.^(۲۳)

قطعاً تقویت مواضع «اروپا محورها» در اروپا، به نفع روسیه و دیگر کشورها در روابط بین‌الملل خواهد بود. زیرا باتوجه به بحران اقتصادی، احتمال رقابت بین اروپا و آمریکا و یا مداخله کمتری از سوی آمریکا در روابط بین‌الملل در آینده وجود دارد. روسیه خود را کشوری اروپایی می‌داند و خواهان همکاری با «خانه مشترک اروپا» است. البته در اینکه اروپای مستقل از آمریکا خطرناک خواهد بود یا خطر کمتری در مقایسه با آمریکا به همراه خواهد داشت، نقطه‌نظرات متعددی وجود دارد. هم اکنون در اتحادیه اروپایی بحث «اروپای جهانشمول» و یا اتحادیه اروپایی که به عنوان «الگوی منطقه‌ای موفق» مطرح باشد، در جریان است. اتلانتیک‌گراها، برای حفظ رهبری آمریکا، معتقدند اتحادیه اروپایی باید الگویی موفق با قدرت مانور محدود و منطقه‌ای، مطرح باشد. «اتلانتیک‌گراها»، علی‌رغم شرکت در تأسیس سپاه اروپا، با مداخله نظامی نیروهای اروپایی، فرا سوی اروپا مخالفند. اما موافقت خود با اعزام نیروهای اروپایی در مناطقی که آمریکا حضور نظامی دارد، به عنوان نیروی «تکمیل‌کننده» پیمان نظامی ناتو به رهبری آمریکا را اعلام داشته‌اند و در افغانستان اقدام مشترکی را به مورد اجرا گذاشته‌اند. این در حالیست که «اروپا محورها»، به اتحادیه اروپایی به عنوان بازیگری جهانی و قابل رقابت با آمریکا می‌نگرند. آنها معتقدند همان‌طور که در مسایل اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، اروپا مستقل از آمریکا عمل می‌کند، در امر دفاعی و امنیتی نیز اروپا می‌بایست مستقل از آمریکا، تقویت یافته اقدام به عملیات نظامی نماید. به نظر می‌رسد؛ تاکتیک نیکلاس سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، پیشبرد استقلال امنیتی اروپا در کنار تعامل با ناتو است. تاکنون فرانسه با استفاده از نیروی نظامی کشورهای اتحادیه اروپایی و کلاً نیروهای نظامی اروپایی، بدون حضور ناتو، بیش از بیست عملیات نظامی در آفریقا انجام داده است که بعضاً باتوجه به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، مداخله فرانسه در آفریقا را توجیه کرده است.^(۲۴) جالب اینکه در بعضی از عملیات‌های نظامی در قاره

آفریقا که با اصرار فرانسه صورت پذیرفته است، نیروهای نظامی انگلیسی نیز شرکت داشته‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به میل سیاسی اعضای جدید اتحادیه اروپایی و ناتو به تقویت روابط با آمریکا، به نظر می‌رسد مواضع «اروپا محورها» تضعیف شده و در مقابل مواضع «آتلانتیک‌گراها» تقویت شده است زیرا اکثر اعضای جدید اتحادیه اروپایی و ناتو، طرفدار درهم‌تنیدگی چتر امنیتی اروپا با آمریکا هستند. آمریکا نیز کشوری تصمیم‌ساز در تقویت و یا تضعیف آتلانتیک‌گراها و یا اروپا محورها بوده و باقی خواهد ماند اما تجربه ثابت نموده که دولت‌های مختلف آمریکا، «آتلانتیک‌گراها» به محوریت انگلیس را در مقایسه با «اروپا محورها» به محوریت فرانسه انتخاب و تقویت نموده‌اند. تاکتیک سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، برای نزدیکی به آمریکا را می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که با «انگلیسی کردن فرانسه در نزد آمریکا»، سعی دارد نقش آمریکا در رقابت بین «آتلانتیک‌گراها» و «اروپا محورها» را خنثی نموده تا بدین ترتیب؛ تفوق «اروپا محورها» بر «آتلانتیک‌گراها» را عملی سازد.

شکی نیست آتلانتیک‌گراها و اروپا محورها در ادامه تقابل، سعی خواهند کرد تا بر تهدیدات مشترک تأکید نمایند تا با ایجاد تنش در فرا سوی مرزهای اروپا، رقابت را ادامه دهند. تأکید بر امنیت ارسال انرژی فسیلی آسیا به اروپا، مقابله با چالش‌های واهی پیش روی (به زعم آنها) «ارزش‌های غربی» به‌خصوص از ناحیه کشورهای اسلامی جنوب غرب آسیا از جمله موضوعات دستور کار آتی پیمان نظامی آتلانتیک شمالی- ناتو در فروردین ۱۳۸۸ خواهد بود تا نیاز به حضور نظامی آمریکا در دفاع اروپا را استمرار بخشند که بخشی از آن استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا خواهد بود.

یادداشت‌ها

1. NATO Parliamentary Assembly, 26-30 January 2009, Visit to the United States – Defense and Security Committee, par. 9, Missile Defense.
2. Angela Charlton & Slobodan Lekic, "Analysis: Sarkozy pushes France into NATO embrace", AP, 20.02.2009.

3. John Vinocur, "A return to NATO: Can Obama help Sarkozy?", *International Herald Tribune*, 26.10.2009.
4. Valentina Pop, "Summit boosts EU security and defense", *EU Observer*, 12.12.2008.
5. Tomas Valasek, "Defending European Defense", *The Wall Street Journal*, 10.12.2008.
6. Valentina Pop, "Summit boosts EU security and defense", *EU Observer*, 12.12.2008.
7. Brian Whitmore, "Missile Defense: Virtual Issue Could Yield Real Results", *Radio Free Europe*, 13.02.2009.
8. Karen DeYoung, "US Envoy Indicates Flexibility With Russia on Missile Defense", *The Washington Post*, 14.02.2009.
9. Fred Hiatt, "A Russia Reality Check", *Washington Post*, 08.02.2009.
10. Brian Whitmore, "Missile Defense: Virtual Issue Could Yield Real Results", *Radio Free Europe*, 13.02.2009.
11. Javier Solana, *Speech at the 45th Munich Security Conference*, 07.02.2009
12. Focus on European Security, *45th Munich Security Conference*.
13. Focus on European Security, *45th Munich Security Conference*.
14. Renata Goldirova, "France overstepped mandate on missile shield moratorium", *EU Observer*, 17.11.2008.
15. Valentina Pop, "Sarkozy wants new EU-US-Russia security accord", *EU Observer*, 14.11.2008.
16. *NATO Parliamentary Assembly*, 26-30 January visit to US.
17. David Brunnstorm & Oley Shchedrov, "Sarkozy urges US, Russian missile freeze", *News Daily*, 14.11.2008.
18. Sreven Erlanger, "Impairing the European union, Gibe by Gibe", *The New York Times*, 14.02.2009.
19. "Sarkozy backs down from missile defense criticism", *Boston.Com.*, 15.11.2008.
20. Brian Whitmore, "Missile Defense: Virtual Issue Could Yield Real Results", *Radio Free Europe*, 13.02.2009.
21. *NATO Parliamentary Assembly*, Missile Defense: The Alliance Perspective, 23.12.2008.
22. Thomas Valasek, "What Europe Wants from President Obama", Policy Brief, *Centre for European Reform*, November 2009.
23. Elitsa Vucheva, "Sarkozy wants to choose own seat at NATO summit", *EU Observer*, 16.02.2009.
24. Valentina Pop, "French EU defense plan is not anti-NATO, minister says", *EU Observer*, 04.11.2008.